

«در جست‌وجوی زمان از دست رفته» و نکات مهمی که دوباتن با کتاب «پروست چگونه می‌تواند زندگی شما را دگرگون کند» به ما می‌گوید

تراژدی‌های زندگی نویسنده فرانسوی را به شاهکاری ادبی رساند

احمد محمدتیریزی
روزنامه‌نگار

دنیای ادبیات، آدم‌هایی با سرگذشت‌های عجیب و غریب، زیاد به خودش دیده است. انگار قانون نانوشته‌ای در جهان وجود دارد که آدم‌های خاص و عجیب و غریب می‌توانند در آینده به نویسندگانی بزرگ و تأثیرگذار تبدیل شوند. البته نباید فراموش کرد همیشه انسان‌های سختی کشیده و رنج‌دیده، جهان‌بینی عمیق‌تری پیدا می‌کنند و حرف‌های مهم‌تری برای گفتن دارند.



نویسنده‌ای رکورددار

در میان بسیاری از نویسندگان عجیب عالم ادبیات، مارسل پروست از عجیب‌ترین‌هاست. زندگی متفاوت پروست هنوز در محافل ادبی جای بحث دارد. او طولانی‌ترین رمان تاریخ را نوشته و برای نوشتن کتاب «در جست‌وجوی زمان از دست رفته» از یک میلیون و دویست و پنجاه هزار کلمه استفاده کرده که یک رکورد به حساب می‌آید. این رمان در هفت جلد نوشته شده و از این حیث رکورد گینس در زمینه طولانی‌ترین رمان تاریخ را در اختیار دارد. آلن دوباتن، نویسنده فرانسوی در کتاب «پروست چگونه می‌تواند زندگی شما را دگرگون کند» ما را با جنبه‌های مختلف و جالبی از زندگی و اندیشه نویسنده فرانسوی آشنا می‌کند. کتاب دوباتن منبع خوبی برای کسانی است که فرصت نمی‌کنند بنشینند و رمان هفت جلدی پروست را بخوانند و از طرفی هم کنجکاوند تا بدانند نویسنده فرانسوی در کتابش چه نوشته و چه اثری خلق کرده است. دوباتن به دنبال پاسخ دادن به بسیاری از این سؤالات است.

در جست‌وجوی معجزه از طریق ادبیات

کتاب در همان آغاز خواننده را با بخش‌هایی از اندیشه پروست آشنا می‌کند. در دهه ۲۰ میلادی، روزنامه‌ای، پرسشی با این مضمون را که «اگر قرار باشد جهان به پایان برسد یا دست‌کم نیمی از کره زمین منهدم شود، واکنش مردم به این خبر چه خواهد بود؟» و شما اگر در چنین موقعیتی قرار بگیرید، در آخرین ساعات زندگی چه کار خواهید کرد؟» از شخصیت‌های مشهور پرسید. پروست به‌عنوان یکی از آخرین نفراتی که به این سؤال پاسخ داد، برای روزنامه چنین نوشت: «به عقیده من، اگر قرار باشد آنگونه که شما پیش‌بینی کرده‌اید بمیریم، زندگی به ناگهان در نظرمان فوق‌العاده عالی جلوه خواهد کرد. فقط در نظر بگیرد زندگی چه بسیار برنامه‌ها، سفرها، روابط عاشقانه و پژوهش‌ها را از ما دریغ می‌دارد که به سبب تنبلی و اعتمادمان به آینده آنها را نمی‌بینیم و به تعویق می‌اندازیم.» پاسخ پروست، دغدغه او را درباره زندگی و از دست دادن زمان نشان می‌دهد. با وجود چنین دغدغه مهم و جدی‌ای، پروست خودش خیلی اینگونه زندگی نکرد و به جای استفاده بهینه از عمرش، آن را در حال نوشتن کتاب سیری کرد؛ اما پروست چیزی برای خودش نمی‌خواست و به دنبال این بود تا از طریق ادبیات، کاری برای دیگران انجام دهد. پدرش پزشک بود و از طریق سفرها و کتاب‌هایش به دنبال بهتر کردن دنیا بود.



این رمان در هفت جلد نوشته شده و از این حیث رکورد گینس در زمینه طولانی‌ترین رمان تاریخ را در اختیار دارد. آلن دوباتن، نویسنده نامدار فرانسوی در کتاب «پروست چگونه می‌تواند زندگی شما را دگرگون کند» ما را با جنبه‌های مختلف و جالبی از زندگی و اندیشه نویسنده فرانسوی آشنا می‌کند. کتاب دوباتن منبع خوبی برای کسانی است که فرصت نمی‌کنند بنشینند و رمان هفت جلدی پروست را بخوانند و از طرفی هم کنجکاوند تا بدانند نویسنده فرانسوی در کتابش چه نوشته و چه اثری خلق کرده است. دوباتن به دنبال پاسخ دادن به بسیاری از این سؤالات است.

یک بار پروست، به مستخدم‌شان چنین اعتراف می‌کند: «ای کاش می‌توانستم کاری را که پدرم برای بیماران انجام داد، با نوشتن کتاب‌هایم انجام دهم.»

زندگی تراژیک پروست

البته وضعیت جسمانی پروست تا حدود زیادی امکان زیست طبیعی را از او می‌گرفت. او آسم داشت، وضع مزاجی درست و درمانی نداشت و حتماً باید از رژیم غذایی استفاده می‌کرد. پوستش بسیار حساس بود. اغلب اوقات سرماخوردگی داشت و باید خودش را لای بافتنی و پتو می‌پیچید، با صدای بلند سرفه می‌کرد، علاقه‌ای به سفر کردن نداشت و وابستگی شدیدی به مادرش داشت. همین زندگی عجیب موجب شد تا از پروست نویسنده دربیاید و او در اتاقش، کار نوشتن طولانی‌ترین رمان جهان را انجام دهد. با وجود چنین زندگی تراژیک، پروست در کتاب‌هایش چه چیزهایی به ما می‌گوید. دوباتن توضیح می‌دهد که این نویسنده تنهای رنجور، به جزئیات به طرز عجیبی توجه داشت. به خاطر همین اتفاقات و شخصیت‌های کتاب‌هایش پر از جزئیات است. پروست عادت به خواندن روزنامه‌ها داشت و گاهی چنان شاخ و برگ‌های جذابی به یک خبر معمولی می‌داد که موجب شگفتی اطرافیان می‌شد. یکی از دوستان پروست این‌علاقه‌اش را چنین توصیف می‌کند: «روزنامه را بسیار با دقت می‌خواند. حتی بخش خلاصه اخبار را هم از دست نمی‌داد. به برکت تخیل خلاقش، خلاصه یک خبر از زبان او می‌توانست تبدیل به یک رمان کامل کم‌دی یا تراژدی شود.»

یکی از تأثیرهای خواندن کتابی با جزئیات مختلف و خرد، این است که وقتی کتاب را می‌بینیم و زندگی عادی‌مان را از سر می‌گیریم ممکن است ما هم دقیقاً به این جزئیات همان واکنشی را نشان دهیم که اگر نویسنده کنار ما بود نشان می‌داد. به قول دوباتن ذهن ما تبدیل به راداری می‌شود که از نو تنظیم شده تا جزئیاتی را که در خودآگاه ما سیلان دارد ضبط کند. با توجه به کتاب‌های پروست نباید به‌راحتی از کنار جزئیات رد شد. حتی اگر خبر روزنامه‌ای را می‌خوانید، طوری با آن روبه‌رو شوید که انگار در حال خواندن یکی از بهترین رمان‌های جهان هستید. جزئیات در زندگی مهم است و باید با حساسیت زیادی با آنها برخورد کرد.

مواجهه با رنج

داشتن رنج و نحوه برخورد با آن موضوع مهم دیگری است که پروست تأکید زیادی روی آن دارد. آقای نویسنده اعتقاد دارد آدم به دو روش خرد کسب می‌کند؛ بی‌رنج و از طریق آموزگار یا توأم با رنج و از طریق زندگی؛ و بنا به نظر پروست، روش دردمند به مراتب بهتر است. به نوعی زمانی که غرق در اندوه هستیم و زیر ملحفه ضجه می‌زنیم و مانند شاخه‌های نازک پاییزی می‌لرزیم، تازه آن زمان انگیزه پروستی‌مان گل می‌کند که با حقایق دشوار و مهم زندگی روبه‌رو شویم. رنج به تنهایی کافی نیست. جدای از تحمل رنج باید با برخورد آگاهانه با رنج، آن را به سوختی برای رشد و آگاهی تبدیل کنیم. به خاطر همین برخورد ناآگاهانه با رنج است که در بسیاری از اوقات رنجور شدن تبدیل به اندیشه و نظر در ما نمی‌شود. درس بزرگی که دوباتن با بررسی زندگی پر از رنج پروست به

ما می‌دهد، این است که در بسیاری از مواقع، بهترین فرصت برای رضایت ما در جزئی است که به شکل رمز، از طریق سرفه‌ها، آرزو‌ها، خطاهای اجتماعی و خیانت‌های عاطفی به ما عرضه می‌شود و سعی کنیم حتی‌الامکان از ناسپاسی کسانی که نخوت و کسالت‌باری و زمان و هوا را مقصر می‌دانند، پرهیز کنیم.

پرهیز از پیش‌فرض‌های کلیشه‌ای

کتاب‌های پروست حاوی نکات مهمی درباره اهمیت مسائل پیش پا افتاده است. پروست یادمان می‌دهد از پیش‌فرض‌های کلیشه‌ای خودداری کنیم و یادمان نرود که تصاویر ساده و به دور از پیچیدگی هم می‌توانند جذاب باشند. در نهایت، توصیه‌های پروست درباره کتاب خواندن، برای عاشقان ادبیات بیش از اندازه شیرین و جالب است. **از نظر پروست، همان اندازه که کتاب خواندن فواید زیادی در زندگی‌مان دارد اما باید حواس‌مان باشد نویسنده را با یک عقل کل اشتباه نگیریم و مسحور بی‌فید و شرط کتاب‌ها نشویم.** پروست توضیح می‌دهد که کتاب‌ها افکارمان را گسترش خواهند داد و در زندگی بسیار به کمک‌مان می‌آیند. با تمام این تفاسیر، نباید در مواجهه با کتاب‌ها فردیت و هویت ذهنی خودمان را از دست بدهیم. باید تفکر نقادانه‌مان را داشته باشیم. خطر دست‌کم گرفتن خود و ارج گذاشتن مبالغه‌آمیز به نویسندگان و دیگر هنرمندان، اشتباهی است که شاید خیلی از افراد دچارش شوند. گفتن چنین مطالبی از زبان یک نویسنده، شهامت و صداقت زیادی می‌خواهد که پروست آن را در وجودش داشت. پروست در ۵۱ سالگی بر اثر یک سرماخوردگی ساده از دنیا رفت. تنها چهار ماه پس از آنکه نظرش را درباره زندگی به روزنامه فرستاد، سرما خورد. با همان حال به نوشتن ادامه داد و وقتی پیشنهاد پزشک مبنی بر زدن آمپول روغن کامفر را رد کرد تا مادامی که نوشتنش شود، سرماخوردگی‌اش به برونشیت و سپس ذات‌الریه تبدیل شد. در نهایت بر اثر ترکیب جابجایی در ریه‌اش از دنیا رفت تا رمان مطولش ناتمام بماند.

پروست زندگی جالبی نداشت ولی توانست از طریق کتابش، درس‌های مهمی به ما بدهد و نامش را در دنیای ادبیات ماندگار کند.



آقای نویسنده اعتقاد دارد آدم به دو روش خرد کسب می‌کند؛ بی‌رنج و از طریق آموزگار یا توأم با رنج و از طریق زندگی؛ و بنا به نظر پروست، روش دردمند به مراتب بهتر است. به نوعی زمانی که غرق در اندوه هستیم و زیر ملحفه ضجه می‌زنیم و مانند شاخه‌های نازک پاییزی می‌لرزیم، تازه آن زمان انگیزه پروستی‌مان گل می‌کند که با حقایق دشوار و مهم زندگی روبه‌رو شویم.